

اسلام را بسیاری از حیث پویایی و تحرک آن متفاوت از دیگر ادیان می‌دانند؛ پویایی همراه با عقلانیت‌ت‌واز این حیث اسلام‌را از رهبانیت مسیحی یا قواعد یهودی متفاوت می‌دانند. دینی که بیش از همه ادیان، احکام اجتماعی و سیاسی دارد تا احکام فردی؛ در تاریخ اسلام البته مقاطعی ماندگار وجود داشته است که این مساله پررنگ‌تر شده است و شاید بزرگ‌ترین آن مقاطع، محرم باشد. محرم شاید برای عده‌ای صرفاً ۱۰ شبی است که می‌توانند اتصال بیشتری با ائمه برقرار کنند اما باطن محرم همین اسلام سیاسی حکومتی را فریاد می‌زند و برای مسلمان واقعی محرم پیامی بیش از یک عزاداری صرف دارد. نگاه به تاریخ معاصر ایران نیز مؤید همین مطلب است، چنانکه مهم‌ترین اتفاقات سیاسی ایران معاصر نیز در بزنگاه محرم به وقوع پیوسته است، از شروع نهضت امام خمینی(ره) در سال ۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ مقاطعی بوده است که شور و شعور حسینی به همراه یکدیگر بلوغ سیاسی را برای جامعه به ارعمان آورده است. دستورات اسلامی از آن جهت که در جهت صلاح جامعه و رفع فساد از آن است دستوراتی سیاسی است. حضرت امام می‌فرمایند: «اسلام عبارت از احکام عبادی و اخلاقی صرف نیست، کما اینکه بعضی بلکه کثیری از جوانان و کهنسالان مسلمین گمان برده‌اند… اسلام برای تأسیس حکومت عادلانه یا شده است که در آن قوانین مربوط به امور مالی، بیت‌المال… جزئیات، قضا، حقوق، جهاد، دفاع و پیمان‌های بین دولت اسلامی و دولت‌های دیگر وجود دارد».

■ **تلاش شیعه‌انگلیسی‌برای سکولارشدن هیأت‌ها**
در طرف دیگر ماجرا پس از شناخت اهمیت ضداسلامی تمام تلاش خود را طی چند دهه اخیر کرده است تا هویت هیات‌های مذهبی را از دغدغه اصلی آن یعنی دغدغه سیاسی، اجتماعی و حکومتی جدا کند چنانکه این گزاره که «هیات‌ها نباید سیاسی شود!» به کرات از این جریان متصاعد می‌شود و تلاش برای ایجاد هیات‌های سکولار قلمتی بیش از یک قرن دارد.

در ارسین بین ۲ خط اصلی بوده است؛ یکی خشونت‌طلب نشان دادن آیین‌های مذهبی محرم که از سوی غرب با قه‌م‌زنی لوچ گرفت و آورده شده که پس از کودتای ۲۸ مرداد حتی خود انگلیسی‌ها بین هیات‌های مسک‌ن قه‌م توزیع قه‌م کردند و دیگری تلاش جدا کردن هیات‌ها از فعالیت‌های سیاسی و انقلابی بوده است؛ «چنانکه در تاریخ آمده است زمانی که روس‌ها آذربایجان را گرفته بودند، روز عاشورا که ۲۰ تا ۲۰ هزار قه‌م‌زن در خیابان‌های تبریز آمده بود، همان روز روس‌ها عالم مشروطه‌خواه و مجاهد تبریز- شهید میرزاعلی قنق‌الاسلام تبریزی- را گرفته بودند و می‌خواستند اعدامش کنند. در میدان مرکزی شهر، این آخوند مجاهد را آوردند به دار بکشند، ۲۰ هزار مرد هم در خیابان‌ها، قه‌م می‌زدند، یکی رقت پیش قه‌م‌زن‌ها، گفت شما که اینها را توی سر خودتان می‌زنید، من نمی‌گویم توی سر روس‌ها و بزنی‌دولی لاقال با همین قه‌م‌ها بیایید به میدان اعدام و پای عده دار که اینها ببینند ۲۰ هزار آدم قه‌م به دست آمده و بترسند و ایشان را به دار نکنند، قه‌م‌زن‌ها گفتند برو خجالت بکش! اباعبادالله را سیاسی نکن، امام حسین(ع) را بگذار برای ما، امروز ما آمدیم با امام حسین(ع) حال کنیم و قه‌م بزیم… خب! این نوع امام حسین(ع) را، انگلیس و روس قه‌م‌هایش را می‌خرند و هدیه می‌دهند». این جریان که عمدتاً ۱۱ خط محوری تفرقه بین شیعه و سنی، خشونت‌طلب نشان دادن عزاداران حسینی و تفکیک قائل شدن بین دین و سیاست را در دستور کار دارد و به لحاظ مادی، معنوی و رسانه‌ای از سوی انگلیس تامین می‌شود را با نام «تشیع انگلیسی» می‌شناسند.

امام خمینی(ره) از همان ابتدا در برابر این جریان ایستادند. ایشان درباره اسلام سیاسی می‌فرمایند: «در آذهان بسیاری بلکه اکثری، بیشتری از مردم، بیشتری از اهل علم، بیشتری از مقدسین، این است که اسلام به سیاست چه کار دارد؛ اسلام و سیاست اصلاً جداست از هم. همین‌ی که حکومت‌ها میل دارند، همین‌ی که از اول القا کرده‌اند این اجنب در آذهانشان ما و حکومت‌ها در آذهانشان ما که اسلام به سیاست… آخوند چه کار دارد به سیاست. فلان آخوند را وقتی عیبش را می‌گیرند می‌گویند: آخوند سیاسی است! اسلام را می‌گویند از سیاست کنار است؛ دین علی‌حده است، سیاست علی‌حده. اینها اسلام را نشانخته‌اند. اسلامی که حکومت تشکیل شد در زمان رسول‌الله(ص) و باقی مدت حکومت؛ به عدل یا به غیر عدل. زمان حضرت امیر(ع) بود، باز حکومت عادلانه اسلامی بود؛ یک حکومتی بود با سیاست، با همه جهاتی که بود. مگر سیاست چی است؟ روابط مابین حاکم ملّت، روابط مابین حاکم با سایر حکومت‌ها- عرض می‌کنم که- جلوگیری از مفاسد‌ی که هست، همه اینها سیاستی است که هست. احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی‌اش است. کتاب‌هایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن مسا جایگز کردند حتی حالا باورشان آمده است آقایان به اینکه اسلام با سیاست جداست. این یک احکام عبادی است که بین خودش است و خدا. شما بروید توی مسجدتان و به هر چه می‌خواهید دعا کنید، هر چه می‌خواهید قرآن بخوانید، حکومت‌ها هم به شما کار ندارند. اما این اسلام نیست. اسلام در مقابل ظلمه ایستاده



چرا می‌کوشند مجالس عزاداری امام حسین^(ع) را سکولار کنند؟

هیأت، بلندگوی اسلام سیاسی

- میکانیل دینا

است؛ حکم به قتل داده، حکم به کشتن داده است. در مقابل کفار و در مقابل متجاسرین و کسانی که اطاغی‌آهستند.

■ **اهمیت تربیون منبر**

آنچه شاید هیچ چیز استفاده از آن به وزن تاثیر‌گذاری و اهمیت آن نرسیده است، «منبر» است. علمای علم ارتباطات، منبر را از حیث «ارتباط چهره به چهره»ی که با مخاطب دارد تاثیر‌گذارترین م‌دیوم رسانه‌ای می‌دانند و این منبر در ایام محرم پیش‌رو می‌تواند در جلو بردن اسلام سیاسی یا مع‌الاسف در جهت تشیع انگلیسی به‌کار آید که صاحب تربیون با شناخت عرصه می‌تواند آن را در جهت صحیح و با بیشترین ظرفیت به‌کار گیرد.

هنر منبری، تعمیق معارف دینی و کاربردی کردن آن در زندگی روز‌مره مردم است، ضمن اینکه عمق‌بخشی به اعتقادات دینی باید با زودن شبهه‌ها و خرافه‌ها از ساحت زندگی مردم همراه باشد. مردم نیز به منبرها اعتماد ویژه‌وارند و با وجود اینکه ظرفیت‌های بی‌شماری در فضای مجازی برای کسب اطلاعات وجود دارد اما باز هم پای منبرها می‌نشینند. منبرها، تنها رسانه‌های دیرینه و کهنی هستند که هرگز رنگ کهنگی نمی‌گیرند و مردم هنوز هم منبرها را ظرفیت ویژه برای رسیدن به جدیدترین اطلاعات مورد نیاز خود می‌دانند.

منبر همچنان که امام خمینی(ره) از آن استفاده می‌کردند، مهم‌ترین تربیون برای مبارزه با فساد و حرکت در جهت اصلاح جامعه است و اگر در آن دغدغه‌های مردم از جمله مشکلات اقتصادی، مبارزه با فساد، اعتراض به مسوولان ناآرام‌گاو… لحاظ نشود می‌تواند با استقبال مردم نیز مواجه شود؛ به تعبیر دیگر محرم و منبر می‌تواند یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌ها برای انسجام پایگاه اعتراض به ناکارآمدی‌های وضع موجود باشد، چنانکه هر ساله در ایسن ایام جریان غربگرا با ترس از این کارکرد هیات‌های مذهبی بر طبل «هیات‌های مذهبی را سیاسی نکنید» می‌دمد.

■ **چه کنیم که هیأت‌مان کارآمد شود؟!**

■ **تلفیق منطق و عاطفه**
در سال‌های اخیر ورود رهبر حکیم انقلاب به مساله هیات و کارکردهای آن نیز بیش از پیش شده است. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای درباره فضای جلسات، به تلفیق ۲ عنصر «منطق» و «عاطفه» قائل هستند و می‌فرمایند: «اولاً اساس هر حرکت عمومی تشیع علاوه بر منطق قوی بر عواطف بود. در روز اول تا آخر در کنار عقل، عشق حضور جدی داشت؛ برای همین هم هر حرکت تشیع نبود نشد یعنی از بین نرفت. منطق قوی است. یعنی صرف عواطف نیست اما منطق تنها هم نیست. عواطف هم با آن درآمیخته است. این از آنجایی است که عقل و عشق با هم می‌سازد.» به اعتقاد ایشان هیات باید همراه با بحث استدلالی باشد و این استدلال با عنصر عاطفه درآمیزد تا پذیرش عمومی آن بالا رود. این امتزاج عاطفه و استدلال همیشه مورد تأکید رهبر انقلاب بوده است.

■ **هیأت را کلاس درس کنیم**

مساله دومی که ایشان مورد تأکید قرار می‌دهند همان م‌دیوم منبر برای ابلاغ پیام دینی است. ایشان در جلسه‌ای در جمع فعالان هیات‌های رزمندگان اسلام درباره اهمیت و کارکرد منبر در هیات فرمودند: «هیات‌های مذهبی باید کلاس درس باشد. اگر کسی ۱۰ جلسه یا یک دهه رفت پای منبری نشست، آخر دهه احساس کند یک مطلب را فهمیده است. مثلاً فهمیده باشد که خواص و عوام عاشورا چه کسانی بودند و چه موضوعاتی موجب شد تا عده‌ای در برابر امام معصوم علیه‌السلام قرار بگیرند و او را به شهادت برسانند. عزاداری را واقعاً به معنای حقیقی کلمه



عظمت و فضیلت برای خاطر آن، جانشان را کف دست گرفتند؛ این همه رنج بردند؛ این همه مصیبت کشیدند؛ حادثه عاشورا به‌وجود آمده حوادث گریه‌آور صدر اسلام به‌وجود آمد. آینه‌ها برای چه بود؟ برای ترویج معارف دین بود. از این فرصت برای ترویج معارف دین، برای سوق دادن نسل جوان به عمل به دین، به عمل به شریعت، به عمل به مسؤولیت‌های بزرگ این دوران استفاده کنید. امروز کشور ما، ملت ما و دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل کردن و ایستادگی کردن است. ملت ایران الگو است؛ در میان ملت، جوانان موتور حرکتند. این جوان‌ها در اختیار شما هستند؛ یعنی شما با یک نگاه ملاحظه خواهید کرد که به یک معنا موتور حرکت دنیای اسلام، زیر کلید شما است. معارف دین را تبلیغ کنید. آنچه را مردم احتیاج دارند و آنچه را این جوان‌ها احتیاج دارند برای پاک بودن، برای پاک زیستن، برای سبک زندگی اسلامی، برای مسلمان شدن به‌معنای واقعی کلمه، برای عاقبت به خیری، به‌اینها یاد بدهید؛ این در اختیار شما است. کی ما در طول تاریخ این همه مجلس داشتیم که در آنها این همه جوان جمع بشوند و دل‌های‌شان را در اختیار شما بگذارند. در زمان ما و در دوره جوانی ما در مشهد اگر همه مداح‌ها را می‌شمردند، از ۶-۵نفر بیشتر نمی‌شدند، در تهران هم یک خرده بیشتر از این. این همه مجلس، این همه گوینده، این همه خواننده، این همه هنر، این همه صدای خوش، شعرا هم به‌کار می‌افتند و آنها هم شعر می‌گویند؛ از این فرصت استفاده کنید».

ایشان درباره اشعار خوانده‌شده در هیات‌های مذهبی هم چند توصیه دارند که باید «محکم»، «قوی»، «خوش مضمون» و «قانع‌کننده» باشد.

درباره خصوصیت دیگر شعر فرموده‌اند باید دارای مفاهیم اسلامی باشد و صرف قشنگ و جذاب بودن تکلیت نمی‌کند. مثلاً بعضی از اشعاری را که مدحان می‌خواند قشنگ است و آدم خوش می‌آید اما هیچ مفهوم اسلامی همراهش نیست.

■ **پرهیز از انحراف و خرافه‌گویی**
ایشان در دیدار م‌هم ۲۰ فروردین ۹۴ یک نکته مهم درباره استفاده غلط از هیات گفتند و آن خرافه‌گویی بود. ایشان فرمودند: «پرهیز از انحراف، پرهیز از خرافه‌گرایی، پرهیز از مشکل‌تراشی در عقاید جوان‌ها؛ گاهی ما یک کلمه‌ای می‌گوییم می‌آید، یکی گرهِ را چه کسی می‌خواهد باز کند؟ این‌گرهِی را که ما با بیان ناقص خودمان یا بیان غلط خودمان یا بی‌توجهی و بی‌مسؤولیتی خودمان در ذهن این جوان به وجود می‌آوریم و عقیده او را دچار مشکل می‌کنیم، این گرهِ چگونه باز خواهد شد؟ اینها مسؤولیت است. اینکه ما مجلس عزاداری رویت، «حکومت اسلامی ایجاد باید گردد»، «تا شاه کفن نشود، این وطن وطن نشود».

در قطعنامه ۱۷ ماده‌ای که در پایان این راهپیمایی خوانده شد برخی مسائل برای نخستین‌بار مطرح شد. فرآزهای این قطعنامه که در تاریخ ثبت شده بدین قرار است: «تأیید رهبری برامتاز حضرت امام خمینی، بر کناری شاه و برچیده شدن بساط سلطنت، نفی استعمار خارجی و نیل به استقلال خدا است، عظمت او به‌خاطر گذشت از همه چیز، از همه خواسته‌ها، از همه مطلوب‌ها- تبدیل کنیم به یک نقطه سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و داندند چه می‌گویند، درست است» این شکر این نعمتی است که خدا به شما داده؟ این صدای خوش، نعمت است؛ این توانایی اداره مجلس نعمت است؛ اینها چیزهایی است که خدا به همه اقلیت‌های مذهبی، اطغالی آزادی واقعی و دادن حیثیت، شرف و کرامت انسانی به زن‌ها، اجزای عدالت اجتماعی و نفی هرگونه تبعیض و استعمار، احیای کشاورزی که بر اثر انقلاب شاه و ملت نابود شده بود، پیشرفت صنعت، ادامه اعتصابات تا سقوط رژیم، احترام از احتکار و گرانفروشی، اخطار به ارتش و دعوت از ارتشیان برای اتحاد با مردم، رد اتهام نفوذ کمونیست‌ها و کمونیسم در انقلاب اسلامی، آزادی همه زندانیان سیاسی، ادامه نهضت تا نفی رژیم و سقوط رژیم خائن شاه».

پس از پیروزی انقلاب هم از ظرفیت هیات‌های مذهبی به نحو احسن استفاده شد. در دفاع‌مقدس با تمسک به مبارزه و شهادت‌طلبی ائمه‌علیهم‌السلام بود که رزمندگان به سمت جبهه‌ها تشویق می‌شدند؛ رزمندگان با سربندهای «یافاطمه‌الزهر» و «یا حسین» به جبهه‌ها رفتند و در آنجا هم می‌گفتند می‌خواهیم همان‌طور که امام حسین علیه‌السلام شهید شد، ما هم شهید شویم.

پس معرفت‌زایی و شناخت باید از مهم‌ترین کارکردهای هیات باشد. یکی از مهم‌ترین کارها این است که به مردم بگوییم «هویت حسینی» چه کسانی است. چنانکه رهبر انقلاب فرموده‌اند: «فهمیدن قضیه عاشورا فقط در تاریخ نیست، در هر زمانی باید دید عناصر تشکیل‌دهنده هویت یزیدی کجا پیدا می‌شود؟ آنگاه در مقابلش باید عناصر تشکیل‌دهنده هویت حسینی را به میدان آورد. منبر باید انسان‌ساز باشد، اندیشه‌ساز باشد، روضه و نوحه و سینه‌زنی باید فضا را از مسائل زنده حسینی، معرفت و آگاهی پر کند».

■ **شعر محکم و بامضمون بخوانید**

رهبر انقلاب اما استفاده از ظرفیت هیات را منوط به فهم تربیون‌دار از موقعیتی که در اختیار دارد، می‌داند و به مدحان درباره استفاده بهینه از این ظرفیت بزرگ هشدار می‌دهند. ایشان در دیدار ۲ سال پیش‌شان با مدحان در پاسخ به این سوال که «بهترین استفاده از این فرصت چیست؟» تبلیغ معارف دین را توصیه کردند و فرمودند: «تبلیغ همان چیزی که این بزرگواران، این نشانه‌های

■ **توجهنامه ۱۱**

نامه تاریخی سیداحمد خمینی به آیت‌الله منتظری

حضرت آیت‌الله!

آیا باز هم عقیده دارید که تکرار جمله «یا می‌دانید…»ها که شرم از بازگو کردن آنها دارم از خود شماست؟ و آیا حق نیست امام با دلی پر خون و قلبی شکسته فریاد بزنند: «ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندانشان در سر سفره‌های افطار گوش تا گوش بُرینند». آیا درباره قتل مرحوم دکتر سلمی شما به گونه‌ای اعلامیه ندادی که از آن فهمیده شود نظام او را کشته است؟ یادتان است در دیداری به شما این مطلب را گفتم، بلافاصله آقا هادی گفت پیام اقا به صورتی بود که نظام تیره نشد، من به او گفتم خودت را به آن راه نزن که شما از آنجا که ساده‌اندیش هستید و نمی‌دانید چه چیزهایی را باید گفت و چه چیزهایی را نباید گفت، گفتید:بله، فلاحيان گفته است ما منافقین را از پای درمی‌آوریم. به آقا هادی گفتم ایشان خودش تصدیق کرد که خواسته است به صورتی بگوید که قتل مرحوم دکتر سامی به گردن نظام بیفتد و بعد به شما گفتم اولاً که معلوم نیست فلاحيان چنین چیزی گفته باشند. از آن گذشته سامی که منافق نبود، آیا خدا را خوش می‌آید هر قتل و غارتی را به گردن نظام بیندازد و حال می‌گویم صرفاً به خاطر اینکه اطلاعات مهدی هاشمی را به جرایش رسانده است باید هر علتی را به گردن سربازان گمنام امام زمان علیه السلام انداخت؟

بحمدالله چندی بعد هم مطلب روشن شد که شما اشتباه بزرگی کرده‌اید. حرف ما این است که چرا هر چه نوشتند امضا می‌کنید؟ آیا جواب خون ششپدار می‌توانید بدهید؟ جواب آنهاپی را که برای حفظ نظام از خود گذشتند و شما برای دلخوشی چند لیبرال حاضرید به صورت غیرواقعی مطلب را به گونه‌ای مطرح کنید که مرحوم سامی را نظام نابود کرده است. از این مسائل است که امام فریاد می‌زنند: «فوتی‌ها بارها اعلام کرده‌اند که حرف خود را از دهان ساده اندیشان موجه می‌زنند».

آیا نباید امام با درد و رنج بفرمایند: «تایید برای رضایت چند لیبرال خودفروخته در اظهار نظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کنند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند». آیا نباید به شما تشر بزنند: «هن به آنهاپی که دستشان به رادیو و تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرف‌های دیگران را می‌زند صریحاً اعلام می‌کنم تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند».

حضرت آیت‌الله!

با ذکر این همه اسناد و اعترافات باور ندارید که ساده اندیش بوده و آنچه نوشته‌اید تروش ذهن نهضت آزادی و منافقین است. من مطمئن هستم یک بند از «آیا ما دایم»هایی که به امام نوشته‌اید راست نیست. در نامه ۶۵/۷/۱۷ آورده‌اید «جبهه‌های کیمیت با همه اخلاص‌شان نوعاً احساسات‌ی و تندند و سعی شود آنها که به عنوان منکران و حجاب و امثال ذلک با مردم برخورد می‌کنند افراد روانشناس، عاقل و تعلیم دیده باشند». آیا به این مساله فکر کرده‌اید که برای درگیری با منکران به چند هزار روانشناس در سطح کشور نیاز است؟ ما این همه روانشناس را که با مایه ۲-۳ هزار تومان، مأمور کمیته شوند از کجا بیآوریم؟ «روانشناس» توجه کرده‌اید؟ آیا قبول ندارید اینگونه چیز نوشتن از عجزولی شماست؟ در نامه ۶۵/۷/۱۷ آورده اید:

■ **سند شماره ۲۷:**

«ز همه ارگان‌ها ضعیف‌تر و داغون‌تر تشکیلات قضایی است در صورتی که لازم است از همه ارگان‌ها قوی‌تر باشد».

تا آنجا که می‌گویید: «به نظر من می‌رسد باز هم آقای موسوی اردبیلی خیرالموجودین است».

حضرت آقای منتظری!

اگر خیرالموجودین آقای اردبیلی است پس نصف کار امام در شوراییالی قضایی مورد تأیید شما- در این نامه- است و می‌ماند یک نفر که دادستان کل کشور است که او را هم شما از نظر علمی و عملی در نزد امام تأیید کردید و امام از شما پرسیدند ایشان برای دادستانی چگونه است؟ گفتید خوب است. پس چرا اشکال به امام می‌کنید؟ اگر وضع قضا خراب است از شما باید سؤال کنیم: چرا اعضای را برای شوراییالی قضایی انتخاب کرده‌اید که هم‌فکر نیستند؟ در صفحه قبل درباره آقای موسوی اردبیلی نوشته‌اید او به درد نمی‌خورد و اهل برخورد نیست. در صفحه بعد او را خیرالموجودین می‌دانید. از این تناقضات بگذریم که بسیار است و این نوشته این مسائل را دنبال نمی‌کند. شما در نامه‌ای به حضرت امام که در تاریخ ۶۶/۷/۱۷ نوشته شده است یعنی چند روز قبل از اعدام هویت هاشمی، مسائل را آورده‌اید که باور نمی‌کردم و باعث تعجب شد.

ادامه دارد …